و عواطف ... تطول ... و بذل الطاف و افضال ... ادام ... دام ...

... محصول در رقم ... احوال ... حسد ... و ...

... بمعونت ... اتمام ... وله الحمد

ابیات

ز طبع زلال و ز روشن ضمیر ترسل نویسم یکی دلپذیر

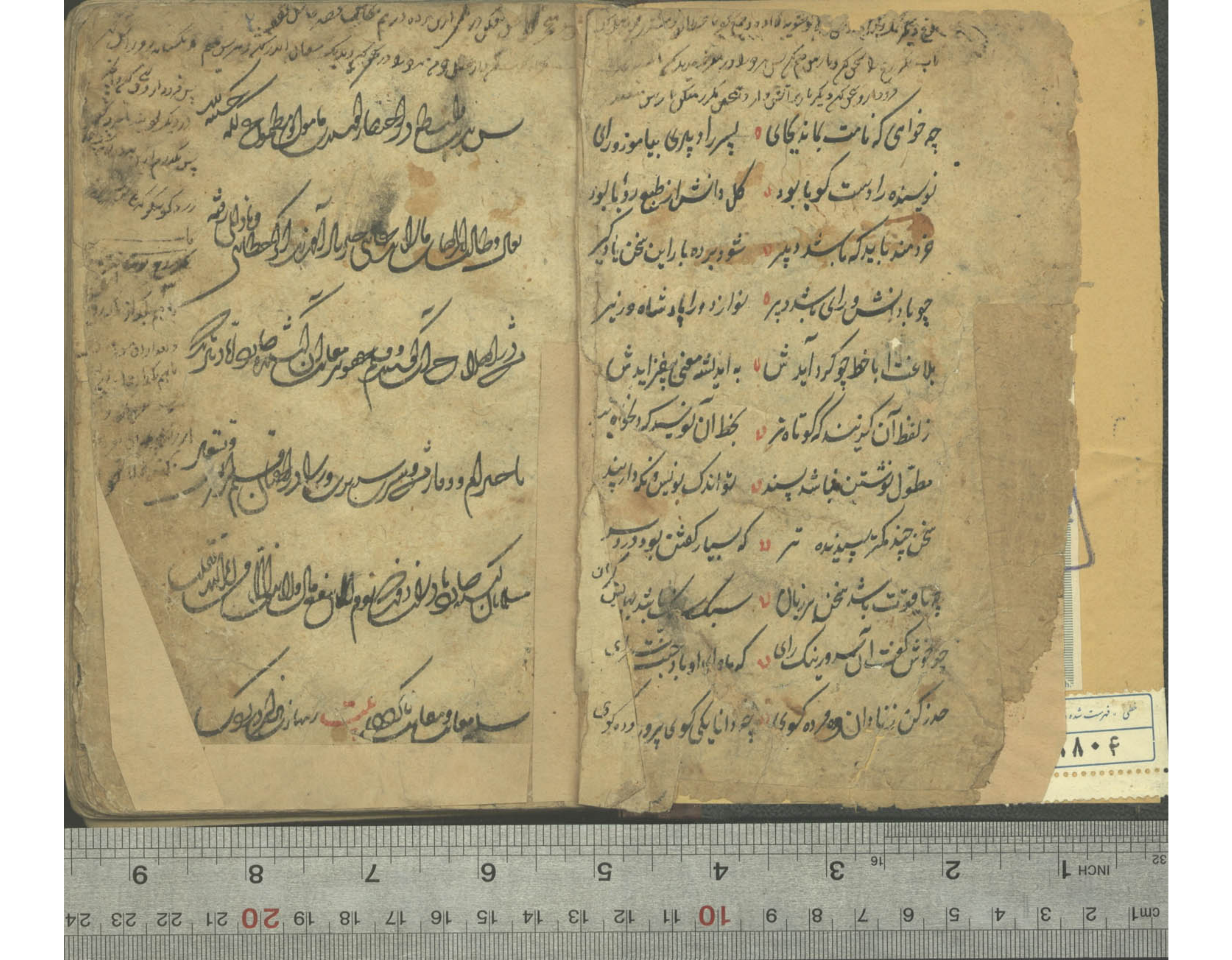
پسندیده باشد بر خاص و عام که فرزانه ... مقام

الا ای خردمند پاکیزه رای بیاموز و خط ... راه نمای

فرزند ... ز ... داد زمانه زبانی ... گذار

... روزگار ضرورت ... کار

ترسل



چه خواهی که نامت بماند بجای ٭ پسر را دبیری بیاموز رای

نویسنده را دست گویا بود ٭ گل دانش از طبع رویا بود

خردمند باید که باشد دبیر ٭ شنو و برده بار این سخن یاد گیر

چو با دانش و رای باشد دبیر ٭ نوازد ورا پادشاه و وزیر

بلاغت اگر با خط چو گرد آیدش ٭ به اندیشه معنی بیفزایدش

ز لفظ آن گزینند که کوتاه تر ٭ بخط آن نویسند که دلخواه تر

مطول نوشتن نباشد پسند ٭ تو اندک بنویس و نکو دار پند

سخن چند مگر سنجیده تر ٭ که بسیار گفتن بود درد سر

چو با قوت باشد سخن بر زبان ٭ سبک گر نباشد بها پیش گران

چه خوش گفت آن سرور نیک رای ٭ که ما دام او باد جنت سرای

حذر کن ز نادان ده مرده گوی ٭ چو دانا یکی گوی پرورده گوی

[illegible]

زینهار [illegible]

لی از رحمت دیگری آمولی ۵ فسلم الحق یکسانی ۵ یا حکیم نجم شوی ۵

اما دیار ما که سلم الکرام [illegible] و قطع محروم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دعای ائمه و عباد الله تعالی [illegible] دعای مشایخ

[illegible] دعای صحابه [illegible]

دعای عظام [illegible]

[illegible] دعای [illegible] دعای حکما

[illegible] دعای [illegible]

[illegible] دعای [illegible] الله تعالی [illegible]

دعای [illegible] ... الله تعالی [illegible]

[illegible] ... الله تعالی ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... موسی الکاظم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بالقات عالم صادر ما لم المعانی و مخاطب محفوظ ما بعد که مدح کشالله

تعالی وحده العزیز **خطاب شاه** علی الحضرت سلیمان مکان الملوک

رفع عطا و سلطنت سحاب الله صولت جهان حضرت الهی

سلطان ملک ملکوک جهان والی ملک سلیمان حشمت فریدون فرمان مهر ایوان

مظهر الدنیا فالله جلاله اسمه تعالی شانه صولت الخلافه و فتح علی

العالمین و الحمد بعد ملک ملک عالی شاه [illegible]

وصف الهی عدل و ملیم شد سر الحضرت عالی مرتبه [illegible]

سلطنت و جهانداری سر حسن و حضور عطا و بنده [illegible]

رحمه خلق جمال الحسن با سر الله عالم الهی ملک و ملک الله

که مانع لطف و فلک جهان حسن و صبح تمام و فتح علی و سلطان [illegible]

صاحب ملک جهان و خسرو دین [illegible]

جمال و صول المتوکل [illegible] عطا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خط ملوک

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سال الله [illegible] وصل الى مقصد [illegible] وسلم [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] مسلم [illegible] حضرت [illegible] الله [illegible]

[illegible] ملک [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] الله [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] واهل [illegible]

[illegible] جهان [illegible] حلال [illegible]

والخلق

والخلق [illegible] على [illegible]

[illegible] وجان [illegible]

[illegible] محمد [illegible] والعهد [illegible]

نحو قطرة [illegible] على [illegible]

محمد [illegible] عالم [illegible]

لکن [illegible] الله [illegible]

ملک ستان [illegible] که در بسیط ربع مسکون [illegible]

در [illegible] عفو و احسان [illegible] ملوک الاسلام [illegible] العالم [illegible]

جناب پادشاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت سلطان [illegible]

معدلت

معدلت [illegible]

[illegible]

خلّد الله تعالی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بهار و جهت دارائی و [illegible] موسس [illegible] و دین و

دار [illegible] الحمد لله [illegible] احسان و سایر [illegible]

مشمول و مخصوص [illegible] ز لطف سلطانی [illegible] که هر سال [illegible] مشمول الطاف

[illegible] این درگاه [illegible] ارواح [illegible] و اجماد [illegible]

نوابی که در ظل [illegible] اقبال عالی مندرج بود [illegible]

والتبعه [illegible] مقابل [illegible] ارحم الراحمین [illegible]

در طی

در طی طوامیر مناجات [illegible] حضرت [illegible] مسلسل [illegible] که هر سری

و ساطع گشت [illegible] اهل علم و صلاح [illegible] سلطنت [illegible] عظمی [illegible]

[illegible] اولیاء دولت [illegible] قیام [illegible] ملکی در ظل [illegible]

منور [illegible] ملک رونق [illegible] شد و [illegible] زبان

هر حالی [illegible] مقرر شد و [illegible] مهد [illegible]

[illegible] رفتار [illegible] حمد و [illegible] التوفیق

بیت

[illegible]

فصل روح الله کبی نعیم جانی خاتمی مصطفی احمد رسول الثقلین

نبی محتشم کی دوه بره مردیه ایلچی کلدی لسان سلطان عثمان

مصر وزیری کلدی نامه پادشاه و حواله سی نعلو اندر حوری

کلدی اسپاه ای یحیی سلطان شفیع آتی نوح محمد حمید کالم

الملک خطاب جمع پادشاه لی جمع جمع اکر نوری

بر حضرت علیه السلام وزیر کوه دیش عین تعلق کی و توسف

کی

سنه فکی مهر کوچ عرش سار روان دور حلال الله وقت

حولت والعمل حضرت علیا سلطان شاه عثمان و عثمان حسن شاه تحت

شعائی عمل افضل ای حالمحمد تعالی سلطنه والدی الدر ملکلرینی اولدی جنگی

اولک الله احمد یار سه شکر سلطان عمر الفاتح ابا سلطان عالی

بالمملوک بی نوم المعصوم ملکوت پیش دیار عالی پادشاه نو پاره

حولکه و شکه حاصل اهل عالم یار حبیب جمع پادشاه ظاهر ممنون

و همای منشور بلند اختر شمه جاه و جلال اقبال و وفور وقع و انگاری سر حضور

علیا حضرت سلطنت پناه مجمع خواتین جهان نامور ایران مکرم زمان تاج حامله اکلیل سلطنت و ناظر

ناموس متخدرات نفوس عاطفت و معدلت عصمت و حرمت … مهر

حضرت مهد علیا انوار آن … طالع شهر … استقبال عهد … فتح و ظفر

و مبارکباد سلطنت ملائم … الی … و … الخطاب … ان … اعتضاد

بوده … و … الی … اکرم الجانب … و … صاحب … سلطان … العالم

تعقید شاهانه سرمد … طیب … المهد … و … تا حصول … عکس …

حضرت عالیه متعالیه … ملک … شیعتان … موحد … سلطان

… جهانی ملک ستان … محل … سماک … آسمانی … خطاب اعلی

وصل عالیجاه … سعادت … اکساب … محمود … علی

… اطلاق … اعظم اکرم … جهانی … عالیجاه … سلطان … ساعی

… حلول … صحایف …

و طاق عقود قصر آسمانی [illegible] حضرت [illegible] سلطنت [illegible]

و کافل [illegible] معطوف و مبذول [illegible]

مصرع محمد [illegible]

ملاذ و ملاذ [illegible] دربار [illegible]

[illegible]

بیت [illegible]

ما و [illegible]

[illegible] خطاب المعالی [illegible]

[illegible]

[illegible] را یعنی

[illegible]

[illegible]

بوجهی که صحیفه دار السرور علیشان کرمه بادر مقام ... محمد

بار ه مانسی والده محمد ... حبیب الله تعالی سعادتم ولاحب

المعظم والامجد الحرمین الاوزار ... حامی مملکت ... معالی ... شعار

عظمتلو اقبالتلو سلطان ... بیدار ... کار ... بر مملکت ... عالی

سعادتلو ... اکرم حامی ... مشیر مشار ... بار ه

بالتوقیر بار ه بوده ... خطاب وزرای کرام

عالیجناب وزیر مکرم سامی ... آصف سلیمان حشمت نظام العالم ...

المعظم المکرم وصاحب ... مدبر ممالک عالم ... والاکرم

اقبال خلد الله تعالی ظلال اجلاله ... والاحسان ... عالی

وسلطان ... معروض ... عالی ...

... محمد ...

... عرض ...

تا مهر فلک ... و ... [illegible] ... سعادت ... عمار

[illegible] ... المعالی ... [illegible]

[illegible] ... حضرت نواب

لطف و به ... [illegible] ... العظیم ...

[illegible] ... جاه ... [illegible]

[illegible] ... و ... [illegible]

درگاه

درگاه فلک ... [illegible] ... ملکوت ... [illegible]

[illegible] ... لطف ... [illegible]

[illegible] ... لطف و ... [illegible] ... المعالی ... [illegible]

[illegible]

اشفاق ... [illegible] ... جناب نواب ...

و ... العظیم ... الموفور و ... الرحمات ... [illegible]

دستگاه اصفهانی [illegible] جلال [illegible] مخصوص دعا

[illegible] جهان [illegible] ساحت [illegible]

اقبال [illegible] مسعود [illegible]

گرامی [illegible] ممنون [illegible]

[illegible]

[illegible] عالی مقدار **خطاب سالار علی مقدار** سالار پناه [illegible]

سالار

سالار [illegible]

اولاد [illegible] سعادت [illegible]

[illegible] سالار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ملا اعار در اعوا صلوات [illegible] محمد [illegible]

[illegible] آلهی [illegible] مه [illegible] طاعات [illegible]

[illegible] سؤال نقطه [illegible] سال [illegible]

السال المعظم الکلام [illegible] صلی [illegible] آل [illegible]

[illegible] کمال [illegible] العلام [illegible]

[illegible] علی [illegible] محمد [illegible]

برهمی

برهمی [illegible] العلام [illegible] المعظم [illegible] رسول [illegible] محمد

[illegible] محمد [illegible] علیهم

[illegible] محمد [illegible] جواب سائل [illegible]

[illegible] محمد [illegible] سائل [illegible]

[illegible] العالمین [illegible] الرحمن [illegible] الرسول [illegible]

[illegible] الله [illegible]

ما اشتاق دم و من صعود حاکی [illegible] و الی [illegible] فی [illegible] و الله [illegible]

و اجلال [illegible] و اشتیاق [illegible] و [illegible] العالم [illegible]

شکر [illegible] عشری الی معشار [illegible] وحشی بحری و بعدی [illegible] القلب عند [illegible] ملتقی فیه بیت

دل نیز نوشت صورت احوال زو پرس ه تا او حدیث شوق حکایت بیان کند

قلب را او بناطقه نباید درست ازان ه کو عمر خویش در سر سودا این کند

مصرع ضمیر پاک مرا که آه جان [illegible] بحر خط

قصائد العلی و به [illegible] سلطان الوجاه [illegible]

باطم

باطم [illegible] العالم [illegible]

[illegible] علی العالمین [illegible] و مخلص [illegible]

[illegible] دیدگاه [illegible] معروض [illegible]

[illegible] الرحمن [illegible] الجلال [illegible]

[illegible] قصائد العلی و به [illegible]

[illegible] الوجاه و الکرم [illegible] الجلال و الکرام [illegible] الله [illegible]

تعالی جل جلاله شأنه بعونه السلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خطاب پادشاه اعظم [illegible]

خطاب [illegible]

اعظم اعلم [illegible]

جل الله تعالی [illegible]

[illegible]

[illegible]

عرض [illegible]

خطاب امیر قوی عالیحضرت رفیع مکان شوکت نشان معلی القاب عظیم الشان علامی العالم العام

سلطنت العظمی مرجع الجمهور حامی المجاهدین سالار الاسلام الاعظم عالی

سالار اوصل منبع الاحسان سامی محامد ستوده صفات الدین و سکندر رمی

و طلوع آثار والی مملکت سامی حسب عالی نسب حامی رفیع دولت بار نصرت

الی حکایات دوران **جواب امیر قوی** سلطان ملک شوکت و محل حشمت انیس

نوع خطاب سلطان ارجاست عالیجاه نو شاه مجد و ملک العالی الاعظم العلم

معتمد الدوله اوصل و مرجع علی الامه الحال المدار و ملجا اهل الکمال حامی الجمهور علوم

دانشمند و المرسلین و الاوصیا عالی عهد سامی پایه کرم معمور لدنی

مرتبه امین بار العالمین نعمت معروف و مشهور ملک الکمال

زمین **خطاب علما نزدیک** عالیجاه علامی علامه معالی الاعالی انتساب

اعظم اکرام علامه العالم مولانا محمد الدین عالم الدین نظام

قضا مآب ممالک دولت و اعمال سرکار محروسه مرحوم و صاحب

[illegible] بیت [illegible]

[illegible]

[illegible]

خطاب علماء [illegible]

[illegible]

[illegible]

مخادم دوستی

[illegible] بیت

ما را خیال دوست بغوغا همی رسد ٭ ورنه فراق خدمت تو زهر قاتلست ٭

هر جا که می‌نشینم و هر جا که میروم ٭ در گردنم دو دست خیالش حمایلست ٭

[illegible] خطاب علماء

[illegible]

[illegible]

بیت

نامه کز جانان رسد منشور اقبال منست ٭ مهر او بر نامه نقش لوح آمال منست

ذره سان علم هواداری آن خورشید را ٭ یک بیک ذرات عالم شاهد حال منست

زمین بهار بر زمین [illegible] و [illegible] عالم آسمان [illegible] لطائف [illegible] عالم

[illegible] المعظم [illegible] خطاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ملاذ [illegible] عالم [illegible] العلام

[illegible]

[illegible]

[illegible] خطاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جواب [illegible]

[illegible]

چو خطاب دلگشایت ز در دم درآید ۵ لمعان انعم الله صباحکم برآید

نفحات عنبر بیزش چه نسیم صبح گویی ۵ بمشام پیر کنعان بخدا که خوشتر آید

سعادت نامهٔ نامی و ملاطفهٔ گرامی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الطالب الکامل [illegible] کرد خطاب ثمود و عباد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] العالمین [illegible]

[illegible]

[illegible]

جواب ثمود و عباد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عالیجاه حکمت

خطاب حکما و اطبا عالیجاه حکمت مآب معالی مآب مولانا الاعظم

افضل فضلاء العصر و اکمل اطباء الدهر شمس سپهر ... و معالی مآب الاوانی

جالینوس الزمانی بقراط الدوران ... الاعظم السلطانی محمد ... علی

... مجاهد ... محامد الصفات ... سلام ... بولی بار

... اوصاف ... روشن ... الاخلاص ملکی

... بر ... علی روشن ... اعلی ...

والسلام ... سلطان الوالا ... مولانا ... ملک ...

منکوبت درمان ... سلطان ... ۵ ... حمایت

... ۵ والسلام علی و ... **جواب حکما و اطبا** خطاب مستطاب

... عالیجاه معالی ... مولوی ... عالی ...

... حکمت ... الطاف ... والا ...

... حمایت ... سوالی ... والعظم

معظم [illegible] سلامی [illegible] الکافی [illegible] بطرز محمود [illegible] العالی و

سلامی [illegible] انوار [illegible] و [illegible] اطهار [illegible]

و [illegible] صریح [illegible]

[illegible]

[illegible] خطاب فیض مآب

[illegible]

بیت اگر

بیت
آنکه بداند بضمیر منیر ٭ راز نهان فلک مستطیر
بر درجات فلکی مطلع ٭ بر علم باب سماوی خبیر

بحکم السعادة [illegible] و [illegible] الحق والیقین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بیت
جام جهان نماست ضمیر منیر دوست ٭ اظهار اشتیاق خود آنجا چه حاجت است
[illegible]

که بحق الحمد و محمود و آل الکرام المجید جواب منجمان حساب و فنون

عنایت نام موحد حسن بلبل و میر سعادتمند کی احمد بن حسن و فضل شاه ملک

للمجلس فی الله المسیر بالله والی حساب علم الله تعالی معلوم مجلس صاحبی

ملک او بادی که حلول و تلای الکاه او و دوی جاه و بن سلطان شاه شاه

اسطاریه و بعمه حکایه ملوک الله و ذلک المجلس فی البیت

بیت

مبارک ساعتی کان مه نشیند ماه کند منزل ٥ رو صلتش سرفراز و جان یابد بالش ناز دل

چه حاجت اختیار ساعت سعد از برای او ٥ که ساعت را سعادتها شود از یمن قدمش

حاصل

دیگر

دیار حجه کو در صحیحه حق تعالی حاصل الحمد لله علی الکل فی معالی الحکم و انوار

و الجمله زوال نقل کار بحق و علیه خطاب حفظ حسن فضائل

اعانی الحق بسط مولانا الاعظم العلم فی العلوم و انی علم الله سدد العوالم

منور حق قلوب المؤمنین اصلح الله بالطف الله الحاضر بروبه و محامد

دیدیم سراپای حسن مسیح در رو وفکای اعراو حیم صاحب و رکس

مسلم و عرض شطر نعط و شمول الکل و جامع محامد الحمد لله اکرام

[illegible]

[illegible]

[illegible] **[illegible]** امد فرخی بر برگ گلی در منقار

در روی خط از سنبل تر کرده نگار — مضمون خط آنکه ای خزان گیاه

خوش باش که او یاد کرد ابر بهار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **[illegible]** [illegible]

[illegible]

صلی الله عليه طيب الله تعالى ... كه دعوات ... حال محل ها معروف باد والحمد

صرفی حصل حالی ... اكر قدر ... الله ... طلسمات ... مطرفا مرآن ملبی

دل او ... درصف ... كه خطاب الحطاب لشمام ملاعاتق

من ... دائم ... سعادت است ... حصول الدولت

حمايت دولتی ... بحق ... وحرمت النبی والوصی والسلام

عليكم اعلا واخر آوردو صحما رقم ... بتمت

شد روضهٔ جان تازه زشرح قلمت ○ من مرده جواب او نیم لیک مرا ○

○ انداخت درین ورطه کمال کرمت ○

خطاب همایون ... اجابت حضرت وصلت سعادت خطاب ... سمت

سلامی ... اسامی ... مخلص ... [illegible]

انی ... [illegible] ... کام

... بیت ... سنگ ... که معزون باجابت کرده و

○ هر دعای که بصدق از سر اخلاص کنند ○

... خطاب منتقل ... [illegible]

للموحدین و مروج المؤمنین [illegible] الاسلمین و [illegible] الملائکة الکرام

حضرت [illegible] الملک [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible]

من [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

حمله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علیهم

[illegible] [illegible] [illegible] حسب فرمان

ملاذ الطوائف و ملجأ [illegible] [illegible] محمد اکبر

حضرت [illegible] مولی [illegible] العظمی [illegible] [illegible] عالم

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] و السلام

سعی الدولة والعلم **خطاب جلیل** جناب سعادت مآب در [illegible] مخدوم اعظم

اکرم مخدوم الحاج [illegible] الله الحرم [illegible] الملك [illegible] بعون [illegible]

الملك المنان فخر [illegible] رفیع الله تعالی قدره [illegible] الحاج [illegible]

محامد [illegible] الله [illegible] حاجی [illegible]

اشتیاق حضور [illegible] **بیت**

اشتیاق که مراست بدیدار شما ٭ بقلم راست نیاید بزبان نتوان گفت
[illegible] ٭ [illegible]

[illegible] الله [illegible] مسعود [illegible]

[illegible] **حلت الحال** [illegible]

[illegible] الحاج [illegible]

[illegible]

[illegible]

والحاج [illegible] محمد [illegible] **بیت**

گر لطف تو بگذرد ز خارستانها ۰ خارستانها شود نگارستانها

[illegible]

خطاب شعرا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خود را بیاد خاطرت آورده ام ازان ۰ یاد غیر یک تو خوشتر ز کیمیاست

از ما دعا و حضرت توفیق بیچه پرست ۰ از تو عنایتی و ز ما بندگی [illegible]

دعاست

بیت [illegible]

ازان طرف نپذیرد کمال و نقصان ۰ وزین طرف شرف روزگار ما باشد

[illegible] **جواب شعرا** [illegible]

[illegible]

بدین مژده گر جان فشانم رواست ۰ که این مژده آسایش جان هاست

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که

[illegible] **[illegible]**

رشتهٔ این نظم که گوهر نماست ۰ زینت صدف بلکه گهر پاره هاست

زیور افسر زد و شاه را ۰ یاد مکین بنده درگاه را

[illegible]

[illegible] **خطاب مستطاب** [illegible]

[illegible]

الملوک و السلاطین [illegible]

لا م ... [illegible]

سوسن ... [illegible]

والماس ... [illegible]

[illegible]

ای خاک درت کعبهٔ ارباب ارادت ° گردی بسوی تو نیاز آرام

جواب مخاطبان ملتمس ... [illegible]

سوال ... [illegible]

حسام

حسام ... [illegible]

اصعاد ... [illegible]

شرف ... [illegible]

هر که ... عموم مهر ... **بیت** بود سایه عالی مستدام

بحق محمد علیه السلام °

جواب ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

معه اسب بیت عمرت دراز باد که من در پناه تو

دارم امید آنکه بیابند ها برسم

[illegible] مصنف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بر آی ای صبح صادق دل خدا را * که بس تاریک می بینم شب هجر

[illegible]

نحو الحضرة العلیه [illegible]

جناب [illegible] حضرت السلطان [illegible]

الدولة والسعادة [illegible]

معروض [illegible]

العرض

[illegible]

[illegible]

حاصل [illegible] **بیت**

همین مسکین که جاودان صد باد دارتو فیقت
که هرگز کس نشانی نداست از نکوکاری

[illegible] **خطاب بارگاه** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نا ...   [illegible]   عصابه سر   والاف والوان

سیاه ربع   نسعه ربع   [illegible] ربع   نامعه ربع

کمخای فرنگی طاق   اطلس الی طاق   الکه توی طاق   قطیفه سیار [illegible] طاق

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **جواب** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] العالی [illegible]

[illegible]

و سلامت دوستی ملوک عصر و محرر زمان کهن [illegible] **بیت**

قلم از غصه شوق تو ننویسد بعمر ۵ عمر آخر شود و غصه به پایان نرسد

امید که از [illegible]

[illegible]

[illegible]

خطاب [illegible]

[illegible]

نو کبوتر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **بیت**

همت از آنجا که مدد ها کند ۵ خار فراقش که اثر ها کند ۵

[illegible]

۵

مکتوب مبارک تو آمد ۵ مانند گوهر شب افروز ۵ ح

بخشید سواد طره شب ۵ لطفش چو بیاض غره روز ۵

چون حلهٔ بوستان مرصع ٭ چون گوهر آسمان طلا دوز

جواب مادر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خطاب پدر بزرگ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تا جهان باد در جهان باشی ۵ وز بد خلق در امان باشی

[illegible] خطاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جواب باصد

نی کلک تو طفل معنی را

نه نبات حسن به پرورده ۵ غنچهٔ صبح طرهٔ شام

رشک رخسار نوخطان کرده ۵ غصه کوته شب دراز مرا

پاره پاره بروز آورده ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جهان [illegible] کام دل ازو بکوه حاصل کردم ۵

بچشم تشنه شوق مسند کردم ° وانگاه بیادگار ازان کلک بیان °

° در کردن جان و دل حمایل کردم °

[illegible]

[illegible] ° [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حبیب

طومار شوق فرکه تواند نوشت اگر ° دریا مداد و شاخ درختان قلم شود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الرحمن

لسان الافکاه [illegible] بیت

ربعی خوبان خورت

تا دورم از جمال و رخ و روح پرورت ○ بیخواب و بیخورم ز غم

زنهار تا گمان نبری ای عزیز من ○ دل تر دلتست کرده بتن دورم از برت

[illegible] ملاقات [illegible] العالی

[illegible] بار

جواب البتا [illegible] موضح [illegible]

[illegible]

[illegible] العالی

[illegible] **بیت**

چون یافت بجان زاده کلکت پیوند ○ زان خط مسلسل خرد افتاده ببند

گفتم که جواب و نویسم دل گفت ○ بس کن که همین دو ها پسندت بسند

[illegible] **خطاب فرزند**

[illegible]

[illegible]

و یحسن [illegible] معانی الخط [illegible]

[illegible]

[illegible]

والسلام [illegible] علیکم بحسن الخط فانه من مفاتیح الرزق

بیت

اگر خواهی که باشی در زمانه ○ نعیمی خرمی و دلفروزی
خط نیکو بحاصل کن که باشد ○ خط نیکو کلید گنج روزی

[illegible]

[illegible] جواب فرزند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بیت عمرت از هر جهت افزون باد

ولت ارقیاس پرون با **نجله نیز** هست اگر سعد است اگر مسعود

[illegible] حاجات ... سالها خواهد حاصل شد عظیمها دولت رسانیده و مشغول کند [illegible]

بعضی [illegible] ملاقات ... [illegible] ... بعد از چهل روز بعون الله العلام

مراد و احوال [illegible] ... خاطر ... حجت ... [illegible]

و تفرقه [illegible] ... سلامت مسعادت ... [illegible]

[illegible] و عظیم ... **شهر بنارس** [illegible] اگر ...

الحمد لله ... سبحان ... عالم ... [illegible] ... رسانیده خاطر

مشغول ... [illegible] ... بعون الله العلام [illegible]

شوهر بنارس هست ... اگر ... [illegible] ... حاجت

حاجات عظیمها ... دولت رسانیده خاطر مشغول ... بعد از ... العلام [illegible]

احوال الحاجات ... حاجت ... [illegible]

حصول ... کار ... [illegible] ... حاجات ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مکتوب مجانین

بقلم گفتم ای سخن پرداز
بنویس آنچه در ضمیر منست
گفت تو شرح اشتیاق دهی
نی و آتش چه جای این سخن است
[illegible] مشتاق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بیت

بدان خدای که در باغ صنع او هردم — گل وجود ز خار عدم شکفته شود

که شوق بنده بخدمت زیاده است از آن — که شرح آن بتصاویر خامه گفته شود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بیت

کی داشتم این گمان که یادم نکنی — کاری چو زمانه بر مرادم نکنی

با آنکه بیاد تو گذرانم همه عمر — عمری گذرانی تو که یادم نکنی

[illegible]

نوعی دیگر

بذات پاک خدای که مبدع الاشیاست

که گر عنان ارادت بدست ما بودی — مثال ذره که باشد ملازم خورشید

کمینه معتکف حضرت شما بودی — [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وما حالى [illegible] **بیت** کز نیم دلخسته یکدم ناوری یاد

بکرداشتن از بند غم آزاد

[illegible]

[illegible] **بیت**

تو فارغی

داران

تو فارغی و ازین جانب آرزومندی ۵ بغایت است که شرح نمی‌توان ۵

بدستیاری قلم دو زبان و کاغذ دو روی ۵ شمه شرح غم خویش نتوانم گفتن ۵

آری غم هجران تو هم با تو توان گفت ۵ حلاوتی عالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **بیت** همان خدای که ما را طریق هجر نمود

امید هست که آسان کند طریق وصال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مفارقت باد بدان خدای که ما را طریق [illegible] نمود

امید هست که آسان کند طریق وصال ٭ بدان خدای که دانای کل احوالست ٭

که هیچ دم نزنم کز توام نیاید یاد ٭ بخاک پای شریفت که هست نور دو چشم ٭

که بی وجود عزیزت دمی نیم دلشاد ٭ چه گشته ام ز غیاب تو دور میگویم ٭

در تیغ عمر عزیزم که میرود بر باد ٭ صعوبت مفارقت [illegible]

شرح

[illegible]

بیت

[illegible]

وداعت کردم و دل با تو همراه ٭ [illegible] گرد بر رنج در فراقی

فراغت را نمیخواهم و لیکن ٭ چه چاره با قضای آسمانی

[illegible]

[illegible] بیت

بجدان آرزومندم که وصفش در بیان آید ٭ اگر صد نامه بنویسم حکایت بیش ازان آید

[illegible]

[illegible] شوق [illegible] مجلس

[illegible] المحسن

[illegible] **جواب مکتوب**

صاحبان مملکت که بکام دوستان کام ٥ بر غرهٔ صبح طرهٔ شام نهاد ٥

نی نی که ز جعد حور بر صفحهٔ نور ٥ و غالیه‌ای اینجه را دام نهاد ٥

مکتوب [illegible] محبت [illegible]

سوال [illegible]

الصلاة [illegible]

تسلیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

ای ساقی صبوحی **بیت** گر بنالم پیش تو آن ناله و درد سر نبود ٥

ور بخواهم عذر آن درد سر دیگر ٥

[illegible] معروض

[illegible]

صورت معنوی جاه [illegible] سلطان [illegible]

گفتم که کنم بسی از دعا حرفی چند ❊ بر عادت اهل رسم یابم پیوند ❊

دل گفت که ابرام نه شرط ادبست ❊ بس کن که همین دعا پسندست پسند ❊

والسلام [illegible] تهنیت نامه عبادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جز ضعف فزوده صحت ❊ گر نه مصحوب یکدیگر بودی ❊

بنجبر ماندگان مجبر ازان ❊ نان جز جان و دل بو سودی ❊

[illegible]

[illegible] نوحی [illegible]

والسلام [illegible]

[illegible]

گردون دنی صحت [illegible]

الحمد لله [illegible]

هیچ دردی بتو ای مایهٔ درمان مرساد هیچ گردی بتو ای چشمهٔ حیوان مرساد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تهنیت جشن بیت

هر روز بر جمال تو نور و رو عید باد دست اجل ز دامن عمر تو بعید باد

بخت سعید عیدت چه دعا کنم که دایم که بدولت تو هر کس ز قضا [illegible]

[illegible]

[illegible]

الحمد [illegible]

[illegible]

سالی [illegible] **تهنیت نامهٔ نوروز**

سال نو بر تو همایون باد و جشن هزار • هر دم اقبال نوبت باد ز گردون کهن

وصول و حلول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

زهی تا یار رخ دولت روزگارت • مبارک باد فصل نوبهارت

بادا هر شام ترا صبحی و هر شب روزی • هر زمان عیدی و هر روز نوروزی

والسلام علیکم [illegible]

[illegible] **بیت** [illegible] از ناگهان رسید

بر نارسیده میوه از شاخسار ملک • یا رب مباد سایهٔ سرو جلال و جاه

تا نفخ صور منقطع از جویبار ملک • [illegible]

[illegible]

وصعود آن [illegible] بود [illegible] و اصعب بود از [illegible]

حتی الموت [illegible] سر جان [illegible] الحق و [illegible]

آنچه از رسم مصیبت [illegible] اجمالی و از دنیا [illegible]

حافظ [illegible] والسلام [illegible] انا لله وانا الیه راجعون

بیت

کدام دوحهٔ اقبال سر بچرخ کشید ❁ که صرصر اجلش عاقبت ز بیخ نکند
کدام تخم امانی بکشت زار جهان ❁ که برق حادثه آتش بخرمنش نفکند

حکومت [illegible] شوال [illegible] الملک الغفار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حکومت [illegible]

[illegible]

[illegible] بیت

گهی یعقوب را سمت غم یوسف همی برد ۵ گهی یوسف بداغ فرقت یعقوب میسوزد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بیت

مرغی ز حرم در قفس تنگ نشست ۵ آمد ز کرم بر قفس تنگ نشست
ما نعره زنان که قفس تنگ شکست ۵ او جلوه کنان که قفس تنگ شکست

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مخدوم [illegible] کهن درخت برومند اگر ز پا افتاد
نهال نو بر از آسیب هر ایمن باد

قال الله سبحانه وتعالی کل شی هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون [illegible]

[illegible]

ای و بال حق تعالی [illegible] رسول الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] طول عمر [illegible] بیت

کاش آن روز که در پای تو شد خار اجل ❁ دست گیتی بزدی تیغ هلاکم بر سر ❁

تا درین روز جهان بی تو ندیدی چشمم ❁ وین منم بر سر خاک تو که خاکم بر سر ❁

[illegible] مصطفی [illegible]

حسن

حسن [illegible]

[illegible]

[illegible] رسول الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] السلام [illegible]

وان بار که حال همه اهل جهان [illegible]

[illegible]

حاصل [illegible]

[illegible]

[illegible]

عالم [illegible] هست تا جهان بود و چنین بود و چنین خواهد بود

همه را عاقبت کار چنین خواهد بود بهمانش [illegible]

بار خدایا [illegible] در آورد

روضه بستان [illegible]

السلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

و گیجه کلشن لیلی و معانی جهانی سرور [illegible] معطر [illegible]

باغ [illegible] رحمت روح [illegible] صعوبت

[illegible]

[illegible]

چه اهم شد که گریزی ز غم بسر من چه رسید   یا رب ز ماتم دلسوز دل خسته چه رسید

[illegible] احمد [illegible] بونند

بقلان طرف [illegible] نیلکون [illegible]

مسطور

و مسطوردر [illegible] محمد [illegible]

اجازه نامه [illegible] صحت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] محمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **آن ... نام**

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **طلاق نام** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فلان [illegible]

[illegible]

صورت قباله الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان الا على الظالمين

والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ما ذكر بعد العموم لكلي الا الكلاف [illegible] ونقص من بعد حسن [illegible]

من [illegible] وحتى [illegible] وقال [illegible]

و[illegible] فلان [illegible] و[illegible]

وكل حرف في [illegible] يوخى كذا [illegible]

وقاطع يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا يصلح لكم اعمالكم ويغفر لكم

ذنوبكم [illegible] صحيح نبي عليه الصلاة والسلام [illegible]

[illegible]

[illegible] والاصول والفروع [illegible]

[illegible] فلان الحسن ابن [illegible] فلان [illegible]

[illegible]

[illegible]

فلان ظلم [illegible] في الشمس [illegible]

و بر ضمیر منیر کمال علی الخصوص لطایف آنحضرت ملک و ملک سپهر اعلی حضرت

با آفاق و انفس در دقایق سطور خطا و سهو خود در سطور فهم کرده که

حظ ایشان که لطف و خصوص در هر که نیکی اجر جزیل و ثواب جمیل

از حضرت ملک حاجات و ما شهدنا الا بما علمنا و ما کنا للغیب حافظین

نوعی دیگر حکام و عمال و ما سوای ایشان و اصحاب و مناصب سلطان

و ... فضلا ... ملک ... اصحاب ... و ... و ...

... در ... بود ... صلاح ... حسنی ... آمده ...

... اکثر ... و ... لطایف ... شریف ... الطاف ...

صواب ... المحققین ... الکرام ... علیهم ... صواب

و احوال ... سالها و ... المسجد ... الاعلی ...

مراکز ... ایشان ... و ... موقع ... احکام ...

مراکز ... حاجات ... و ... و ...

از [illegible]

ولکن [illegible]

سمه [illegible]

[illegible]

و [illegible]

نوعی دیکر [illegible]

[illegible]

ساعه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نوعی دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در همه صادر [illegible] والسلام [illegible] تحریراً فی [illegible] شهر رمضان المبارک

نوعی دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تمام [illegible] تحریراً فی [illegible] شهر رمضان المبارک

نوعی دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **نوعی دیگر**

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **نوعی دیگر** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **نوعی دیگر**

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **نوعی دیگر** جناب [illegible] معظم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در بیان تعبیر ماه [illegible] والسلام [illegible] **نوعی دیگر** در [illegible]

[illegible] محمود [illegible] ملک [illegible]

[illegible]

[illegible] صلاح حال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **نوعی دیگر** [illegible] ملک [illegible]

[illegible] ملک [illegible]

[illegible]

شقه [illegible] فلان

نوعی دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] محکمه نامچه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نوعی دیگر [illegible]

مو[illegible] علی [illegible] محمد محمود و حسن [illegible] علی

و [illegible] [illegible] سنه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] المبارک [illegible] [illegible]

مسمی [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

مسمی [illegible] محمد [illegible]

الوجوه جهت ورنا وسلم سرحدن مودی نجیم الحال ریض وکی ولو منا حمید

حکام سلطان محمود حسن ومعینی اداوحصن وواصل الملک قدیر

مرکس حق وکلت حقوق مرکوله حقوق وملک وملک

ومال واموال انکی بعد اسوم مرکوله کلاف ضبط وبعض نواحی کرکر

دعوی لکه حاکم سرحد ملک دعوی ملک سوکه اوکی وقوف

وهم وقتی بوی وکیل دلکی حرکی ملاکی مرعا المبارک

پر قلم

پروانه مرو ملک محمد آغا مسلح جمله حدار

ارباب تیمار موصل احمد کیل الکام موعود اموقوف

وصول اسانک بوصو بر فرمان احمد شاه صاحب **بوغی دی**

دروش مرکز موضع مرکوره دل واحمال سکن وعکسه

معلی ساده وعاد محمد اسد الله حاکم وکلک مامور سقوط ملوم

ومعوض حوض طرا کلیم معانی موقوف کوح کبرا اکبر

[illegible]

[illegible] ... محمد ... [illegible]

[illegible] ... تمام ... [illegible]

موضع ... [illegible]

... [illegible] **نوعی دیگر** [illegible] ...

[illegible] ... موضع ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible]

[illegible] **نوعی دیگر** ... [illegible]

[illegible] ... موضع ... [illegible]

[illegible] ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **باب** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **فتح عالم**

بنام فلان الحمد لله [illegible]

[illegible]

نشاه

نشاء [illegible]

[illegible]

بیت

انداختیم بر همه عالم لوای فتح ۵ افراختیم بر همه گیتی صدای فتح ۵

از فضل کردگار بنام سند غیب ۵ گاهی نوید و نصرت و گاهی ندای فتح ۵

گشتند دشمنان همه مغلوب و تیره روز ۵ اینست غایت [illegible] فتح ۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الحمد [illegible]

در عهد [illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] الحمد لله والمنة [illegible]

[illegible]

[illegible]

بهار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که [illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سر سبب

نوعی ظاهر شد [illegible] که اکثر [illegible] مستعمل [illegible]

سالک [illegible] عالم [illegible] بر آمد [illegible]

عساکر نصرت [illegible] اطراف [illegible] سامان [illegible] صحرا [illegible]

و [illegible] جلال [illegible] بیوق [illegible]

طالع [illegible] اطراف و اکناف عالم منتشر گشت [illegible]

[illegible] کامکار و [illegible] عالم [illegible]

بیاله

مآله حمل و سلوک صحرای عالم مجاز به درگاه عالی **بیت**

دریای مصاف گشت جوشان ٥ گشتند مبارزان خسرو عثمان

تا وقت استوای زوال [illegible] آتش جدال [illegible] و مشتغل

بعد و سلسله [illegible] مخالفان [illegible] در رزم [illegible] شمشیر و [illegible]

بیت

تعریفی که رکن [illegible] منصور [illegible] ستاره

بسی حصار گشادیم بیک اشارت دست ٥ بسی سپاه شکستیم بیک فشردن پای

[illegible] امیر [illegible] صاحب [illegible] عالی

نظام [illegible] در روز [illegible]

که تنکر [illegible] بیت

اگر مهابت او بانک بر زمانه زند ○ قطار هفتهٔ ایام بگسلند مهار ○

ولکن جانب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بیت

چو شمشیر تیز آهنک خون آورد ○ زسنک آب و آتش برون آورد ○

چو تیر از کمان در کمین آورد ○ سر دشمنان بر زمین آورد ○

[illegible]

ولکن جانب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

گنجشک را تحمل چنگال باز کو ۝ روباه را چه قوت زور غضنفرست ۝

یاجوج جنس ما چو بجنبند بروز رزم ۝ عاجز شود مخالف اگر صد سکندرست ۝

[illegible]

[illegible] بیت پس تجربه کردیم درین دیر مکافات ۝ با آل علی هر که در افتاد برافتاد ۝

[illegible]

[illegible]

چشم فلک ندیده و نبیند بعمر خویش ۝ این فتحنامه و دولت ما را میسرست

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

یوم الاحد یوم الاثنین
روز یکشنبه روز دوشنبه

یوم السبت یوم الثلثا یوم الاربعا یوم الخمیس
روز شنبه روز سه شنبه روز چهارشنبه روز پنجشنبه

یوم الجمعه محرم صفر ربیع الاول ربیع الآخر

روز آدینه جمادی الاول جمادی الآخر رجب شعبان

رمضان شوال ذی القعده ذی الحجه موش
سیچقان ئیل

بقر پلنگ خرگوش نهنگ
اود ئیل بارس ئیل توشقان ئیل لوی ئیل

مار ئیلان اسب گوسفند حمدونه مرغ
سگ یونت ئیل قوی ئیل بیچین ئیل تخاقوی ئیل

[illegible]

سنگ [illegible] خوک [illegible] بداینند که دو برنج یک جو باشد و

[illegible]

دو جو و نیم که عبارت از سه جو است طسوج پس چهار
طسوج که عبارت از شش جو است یعنی دوازده جو که دانگی
بود و شش دانگ تمام مثقالی باشد یعنی چیزی پس بدین نمونه
حساب کسورات از خود استخراج نمایند و از جهت آسانی شمار
و معدود را بطریق محاسبات دیوان نوشته میشود صورتش
اینست که نوشته شده است [illegible]

[illegible]

وچون بده هزار دینار رسد دیگر به الف نوشتن

حاجت نیست تومان باید نوشت وآنچه از تومان

زیاده باشد ورزیدآن بدین نوع نویسند تومان

نوع دیگر حساب از زیبق

وپنجهزار تا بده

هزار تومان رسد بعد از آن ده هزار تومان را لکی باید

نوشت

وپنجهزار تا بده هزار لک رسد بعد از آن

لک نویسند

سه دکا هردکا ههدکا لودکا عدکا عدودکا

سرودکا نودکا هدکا ودکا هردکا

سدکا سودکا مادکا الدکا بهادکا ربعادکا

مادکا سادکا بعدکا لادکا بعادکا

ا دکا وچون بده هزار رنک رسد بعد ازان جانکی نویسند و

چون بده هزار جانکی رسد جماری نویسند وچون بده هزار جمار

رسد کلبطی نویسند ودرین زمانه محاسبات بکلبط نرسند

واکر رسد بدستور هزار کلبط را جله نویسند وچون بده هزار

جله رسد کجی نویسند وازین درنکذرد وبدین قیاس است

باب چیزی که بوزن وترازو سنجد من نویسند و

وع بهو لبو جو سدو هرو سو لود

وع عوع بع لبع جع وع

وعلی هذا القیاس باب الاجزی که به کیل پیمان باشد

وو دوان بهوو لبوو جوو سدوو هروو

ههوو لووو عوو عدوو سدوو لبوو

جوو الوو باب کیلجا واطلس وصوف ودارائی

وقطنی موش دندان ونخ و دیبا که اینها را طاق نویسند طاق

طاقان بهطاق لبوطاق جوطاق ماطاق هوطاق

ههطاق لوطاق عطاق عدطاق بهطاق لبوطاق

وعلی هذا القیاس باب اعداد قماش را نویسند که بکز وقد

مساوی نباشد مثل فوطه وکلاه والایچه وقد وغیره عدد نویسند

عدد عدان بهعدد لبوعدد جوعدد ههعدد هوعدد

[illegible] وعلی هذا القیاس

باب ذراع جزی را نویسند که بگز پیمایند ولاد و کتان

و کرباس و شقالیه و غیره را ذرع نویسند ذرع ذرعان

[illegible]

[illegible]

[illegible] وعلی هذا القیاس باب زوج

مثل موزه و کفش و چخور و مانند آن که زوج نویسند زوج زوجان

[illegible]

[illegible]

باب فرد جزی را نویسند که مساوی و موافق نباشد تا

را هم فرد نویسند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وعلی هذا القیاس رؤس که اسب

و استر و خر و گاو و گوسفند و بز و اینها را رؤس نویسند رأس

رأسان [illegible]

[illegible]

[illegible] بدین قیاس نویسند و دیگر افراس که

مثل شیر و پلنگ و پارس و گرگ که اینها را راس نویسند راس راسان

[illegible]

[illegible] وعلی هذا القیاس

سگ را قلاده نویسند قلاده قلادان [illegible] قلاده

[illegible] قلاده

عد ملاه سه ملاه لو ملاه صد ملاه وعلی هذا القیاس

باب دستوره که وعاء شکاری مثل چرغ و شاهین و باز

وقوش وغیره را دست نویسند دست دستان بهدست

لودست حمدست سه دست ادست بهدست لودست

عدست عمدست سدست لودست صدست

مادست مادست وعلی هذا مرغ خانگی وغیره را قطعه نویسند

قطعه قطعات بهقطعه لوقطعه حمقطعه سهقطعه

هوقطعه بهقطعه لوقطعه عدقطعه عدقطعه سهقطعه

ماقطعه الاقطعه وعلی هذا اثواب که جامه دوخته را

ثوب نویسند ثوب اثواب بهثوب لوثوب حمثوب

سهثوب هوثوب بهثوب لوثوب عدثوب عدثوب

مالوت وعلی هذا القیاس ابواب دکاکین که خانه و دوکان

وحمام وماننده آن کم باشد باب نویسند باب بابات بهابات

لوبابات حمابات سدبابات بهابات لوبابات عدبابات

عدبابات سدبابات لوبابات وقس علی هذا قبضات

که شمشیر و خنجر و کمان و سپر را و کارد را قبضه نویسند قبضه قبضات

بهقبضه لوقبضه حمقبضه سهقبضه هوقبضه بهقبضه

لوقبضه عدقبضه عدقبضه سهقبضه لوقبضه صدقبضه

ماقبضه وقس علی هذا سهام که تیر و نیزه را سهم نویسند سهم

سهام بهسهم لوسهم حمسهم سهسهم هوسهم بهسهم

لوسهم عدسهم عدسهم سهسهم لوسهم صدسهم

ماسهم وقس علی هذا القیاس باب لعل و مروارید را نیز

قطعه لونیسند قطعه قطعات یه قطعه لو قطعه دو قطعه

سه قطعه هو قطعه یه قطعه لو قطعه عـ قطعه عه قطعه

سه قطعه صـ قطعه ما قطعه ما قطعه وقس علی هذا

وجاج را قفص لونیسند قفص قفصات یه قفص لو قفص

دو قفص سه قفص هو قفص یه قفص لو قفص عـ قفص عه قفص سه قفص

لو قفص صـ قفص سه قفص هو قفص سه قفص لو قفص

ما قفص ما قفص و وردار بو سوراخ کرده را عقد لونیسند عقد

عقدات یه عقد لو عقد دو عقد سه عقد هو عقد

یه عقد لو عقد عـ عقد عه عقد سه عقد لو عقد

سوراخ ناکرده را حب لونیسند حب حبات یه حب لو حب

دو حب سه حب هو حب یه حب لو حب عـ حب

کله

عـ حب سه حب لو حب سحاب که بیست و چهار طبقه

کاغذ را دسته لونیسند و قلم را بنه لونیسند سه روج که زینج را

سبح لونیسند سبح سبحات یه سبح لو سبح دو سبح

سه سبح هو سبح یه سبح لو سبح عـ سبح عه سبح

سه سبح لو سبح صـ سبح ما سبح وقس علی هذا

و دیگر اصلاب که درخت را اصله لونیسند اصله اصلات یه اصله

لو اصله دو اصله سه اصله هو اصله یه اصله لو اصله

عـ اصله عه اصله سه اصله لو اصله صـ اصله ما اصله

ما اصله وقس علی هذا خاله کنند و را خاله لونیسند کله کلات

یه کله لو کله دو کله سه کله هو کله یه کله

لو کله عـ کله عه کله سه کله لو کله صـ کله

لو کله

وقس علی او قیاس که بار شمار را واجب واستر را و کا و را و فوو

اینها را و قر نویسند و فر و قران سه وو لسو وو حد وو

سد وو هو وو سه وو لو وو ع وو عد وو

سه وو لسو وو صد وو سه وو ما وو بار شمار

را حل نویسند حل حلان سه حل لسو حل احد حل

سد حل هو حل سه حل لو حل ع حل عد حل

سه حل لسو حل صد حل ما حل وقس علی هذا

احساب هندسه بدانند که حساب هندسه چهار مرتبه است

احاد عشرات مات الوف اما احاد را یک یک افزایند

و عشرات را ده ده افزاید و میات صد صد افزاید

و الوف را هزار هزار افزاید و اینها همه یک شکل نوشته می

شود

شود و مراتب هر یک بصفر معلوم می شود یعنی نقطه چنانکه احاد

نقطه ندارد و عشرات یک نقطه دارد و میات دو نقطه

دارد و الوف سه نقطه دارد صورت احاد اینست ا ب

١ ٢

ج د ه و ز ح ط ی ک

٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ٢٠

ل م ن س ع ف ص

٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠

ق ر ش ت ث

میات ١٠٠ ٢٠٠ ٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠

خ ذ ض ظ

٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ الوف

غ

١٠٠٠ ٢٠٠٠ ٣٠٠٠ ٤٠٠٠

٥٠٠٠ ٦٠٠٠ ٧٠٠٠ ٨٠٠٠

٩٠٠٠ احاد ١ ٢ ٣ ٤

٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢

٣١٩

١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨

١٩ ٢٠ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤

١٩ ٢٥ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤ [illegible]

٢٥ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩

٣٠ ٣١ ٣٢ ٣٣ ٣٤ ٣٥

٣٥ ٣٦ ٣٧ ٣٨ ٣٩ ٤٠

٣٦ ٣٧ ٣٨ ٣٩ ٤٥ [illegible]

٤١ ٤٢ ٤٣ ٤٤ ٤٥ ٤٦

٤٦ ٤٧ ٤٨ ٤٩ ٥٠

٥١ ٥٢ ٥٣ ٥٤ ٥٥ ٥٦

٥٦ ٥٧ ٥٨ ٥٩ ٦٠ ٦١

٦٢ ٦٣ ٦٤ ٦٥ ٦٦

٦٧ ٦٨ ٦٩ ٧ ٧١

٧١